

« همیشه پشتیبان همواره پاسخگو



کودکان در دوره پیش دبستانی به ویژگی‌های خاصی در مربیان خود توجه می‌کنند که می‌تواند تأثیر زیادی بر یادگیری و رشد آن‌ها داشته باشد. برای پیدا کردن این نکات، گاهی لازم است روی صندلی کوچک آن‌ها در کلاس نشست و از منظر آنان به خودمان نگاه کنیم.

مربیانی که واقعاً به کودکان علاقه دارند و با عشق و محبت با آن‌ها برخورد می‌کنند، بیشتر مورد توجه کودکان قرار می‌گیرند.

کسانی که دانش کافی در زمینه آموزش و پرورش دارند و می‌توانند مفاهیم را به شیوه‌ای جذاب و قابل فهم برای کودکان توضیح دهند، از نظر بچه‌ها موفق تر هستند.

از طرف دیگر، مربیانی که می‌توانند به خوبی با کودکان و والدین آن‌ها ارتباط برقرار کنند، اعتماد و احترام بیشتری از سوی کودکان کسب می‌کنند.

بچه‌ها به مربیانی که از روش‌های خلاقانه و نوآورانه برای آموزش استفاده می‌کنند، بیشتر توجه دارند. آنان بیش از سایر گروه‌های سنی دیگر، صبر، آرامش و شکیبایی را طلب می‌کنند.

در این جلسه برخلاف بیشتر کارگاه‌ها که بانوان مربی و موسس در آن حضور پیدا می‌کنند، تعدادی از آقایان موسس پیش دبستان منطقه شهر قدس نیز حضور داشتند تا از زبان مدرس کارگاه، تازه‌ترین اطلاعات در این زمینه را دریافت کنند.

با ما همراه باشید تا این بار در جمع موسسان و مربیان پیش دبستانی شهر قدس واقع در سالن شهید دهنو آموزش و پرورش این شهرستان در شهرستان‌های استان تهران، از محتوای کارگاه توانمندسازی مربیان بیشتر بدانیم.

شهر قدس همیشه فعال و پویا

برنامه با خوش‌آمدگویی و خیرمقدم خانم حبیبی یکی از مسوولان حوزه پیش دبستانی آموزش و پرورش شهر قدس و معرفی کوتاهی از مدرس جلسه خطاب به شرکت‌کنندگان در این جلسه آغاز شد. او از محمد ناصری که مدت ۱۱ سال به عنوان مدیرکل در دفتر انتشارات و فناوری آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی فعالیت کرده به عنوان یک فرد متخصص در حوزه پیش دبستان نام برد و از مریبان و موسسان حاضر در جلسه خواست تا در این برنامه از تجربه‌های ارزنده وی بهترین بهره را در مسیر ارتقا فعالیت‌های خودشان ببرند. حبیبی در ادامه یادآور شد که تعدادی از شرکت‌کنندگان پیش از این با بسته تربیت و یادگیری "من می‌دانم من می‌توانم" آشنایی داشته اما در این نشست، اطلاعات بیشتری را در این زمینه از زبان مدرس جلسه دریافت می‌کنند. وی در پایان صحبت‌هایش، فرصت را به سیدکمال شهابلو مدیر تولید انتشارات قصه و داستان سپرد تا جلسه ادامه پیدا کند.

شهابلو ابتدا از آموزش و پرورش شهر قدس به عنوان یکی از مهم‌ترین و موثرترین ادارات آموزش و پرورش در سطح شهرستان و استان تهران نام برد که حتی در دوران حضور خودش در دفتر مجلات رشد در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی نیز این مجموعه در زمینه تهیه، اشتراک و استفاده از نشریات متنوع رشد برای دانش‌آموزان و معلمان بسیار فعال و پویا عمل کرده است. او این نکته را بهانه قرار داد و گفت:

**کارخانه‌های خیلی بزرگ
برای اینکه کالایشان فروش
برود سعی می‌کنند یک
روایت داستانی خوب برای
کالایشان انتخاب کنند.
الان پیروزی از آن راویان
هنرمند است**

"شهر قدس همیشه برایمان جزو ادارات پر اهمیت بود، زیرا شمارگان مجلاتی که دریافت می‌کرد نسبت به ادارات دیگر بسیار قابل توجه بود و ما همیشه در جمع معلم‌ها و همکاران فرهنگی که بودیم از نظراتشان برای ارتقاء محتوای مجلات استفاده می‌کردیم و لذا همیشه این خاطره خوش را از شما مریبان و معلمان و فرهنگیان محترم این شهرستان داشتیم. ما امروز نیز می‌خواهیم در مورد "بسته من می‌دانم من می‌توانم" صحبت کنیم." وی سپس افزود: "آقای ناصری در بخش اول به آن مبانی اصلی دوره پیش دبستانی و ویژگی‌های مربی، ویژگی‌های نوآموزان پرداخته و در بخش دوم هم به معرفی بیشتر بسته "من می‌دانم و من می‌توانم" می‌پردازند. البته این بسته را بعضی از شما تا حدودی می‌شناسید و با آن آشنایی دارید. چون فکر می‌کنم یکی دو سال پیش در این اداره هم از این بسته استفاده شده است، منتها تفاوتی که این بسته با بسته ۲ سال پیش دارد این است

که ارتقا یافته و تغییراتی دارد. علتش هم این است که ما از زمان تولید آن بسته تا الان که خدمت شما هستیم نزدیک به بیست و چند کارگاه در سراسر کشور و در شهر تهران داشتیم و از نظرات شما استفاده کردیم، بهره‌مند شدیم و این نظرات را بر اساس این تعامل، در بسته مورد استفاده قرار دادیم."

وی در خاتمه خطاب به شرکت‌کنندگان یادآور شد که این فرصت را دارند تا در طول جلسه و به ویژه در پایان برنامه پرسش‌های خود را مطرح کرده و پاسخ آن را از مدرس محترم جلسه دریافت کنند و نظرات خود را نیز مطرح ساخته تا دست‌اندرکاران تولید این بسته نسبت به آن آگاهی پیدا کنند.

در همین ارتباط نیز او تأکید کرد:

"شما از طریق نشانی سایت ما و همچنین کانال ایتا می‌توانید با ما در ارتباط باشید و از تجربه‌های دیگر مریبان و موسسان نیز در مسیر کار خودتان استفاده کنید و حتی پیشنهادات خودتان را

با ما در میان بگذارید. اگر سؤالی دارید از ما بپرسید تا پاسخ آن را دریافت کنید و تمام این مواردی که خدمت شما عرض شد حکایت از وجود پشتیبان در مجموعه انتشارات قصه و داستان است. به این ترتیب ارتباطات ما دو طرفه خواهد بود و این ارتباط هیچ زمانی قطع نمی‌شود و ما همواره پاسخگوی پرسش‌های شما هستیم."

شهابلو که از تجربه مدیریت در حوزه فعالیت‌های فرهنگی نیز برخوردار است سپس تأکید کرد:

"همانطور که شما نیز می‌دانید چون دوره پیش‌دبستان در آموزش و پرورش غیر متمرکز است و مثل دوره‌های دبستان و متوسطه نیست، محتوای کار آن نیز غیر متمرکز است. البته نظارت بر تولید محتوا توسط سازمان تعلیم و تربیت کودک انجام می‌شود. پس هر بسته‌ای که مورد تأیید سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و مورد تأیید سازمان تعلیم و تربیت کودک است، بسته‌ای است که می‌شود از آن استفاده کرد و به آن دل بست و امید داشت که می‌تواند کمک بیشتری در فرایند تعلیم و تربیت به ما بکند. اما بعضی از بسته‌ها ویژگی‌های خاصی دارند که نسبت به بسته‌های دیگر قابل‌تامل‌تر هستند و می‌شود بیش‌تر به این بسته‌ها اتکا کرد. اطلاعات بیشتر در این رابطه را سخنران و مدرس جلسه جناب آقای ناصری در اختیار شما قرار می‌دهند. خوب است بدانید که جناب آقای ناصری بیش از ۳۰ عنوان کتاب دارند که کتاب "جای پای ابراهیم" ایشان کتاب شایسته سال جمهوری اسلامی ایران شد و ایشان



بیش از ۳۰ سال سابقه فعالیت در بخش‌های مختلف آموزش و پرورش از معلمی و تدریس تا مدیریت را در این مجموعه دارند.

با رفتار و کردار خود تربیت کنیم

محمد ناصری با سپاس و قدردانی از مسوولان آموزش و پرورش شهر قدس به ویژه خانم حبیبی برای تشکیل این جلسه، صحبت‌های خود را با اهمیت دادن به کیفیت بخشی کار مربیان و موسسان پیش دبستان در سال جدید تحصیلی شروع کرد و گفت:

”خوشحال هستم که بعضی از شما مربیان گرامی چاپ اول این بسته را در دو سال پیش کار کردید و یک زمینه‌ای در ارتباط با این کار دارید. برای اینکه یک بسته‌ای بخواهد زنده باشد باید تغییر پیدا کند، تحول پیدا کند و کامل بشود. همه بسته‌ها مثل مومی در دست مربیان محترم هستند. معنی این حرف این است که مربی همه قابلیت‌های فردی خودش و هنرهای شخصی خودش را در به کارگیری یک بسته باید لحاظ کند. یک بسته خوب یک ابزاری در دست مربی است. در این ارتباط ابتدا لازم است به دو موضوع اشاره کنم.

یکی اینکه اساساً چه دلیلی دارد بچه ۵ ساله‌ای از آغوش گرم پدر و مادرش و فضای صمیمی خانواده خارج شود و وارد یک محیط بیگانه‌ای شود در حالی که هنوز ۵ بهار از عمرش بیش‌تر نگذشته است؟ چه دلیلی واقعاً وجود دارد و چه اتفاقی در پیش دبستان می‌خواهد بیفتد که پدر و مادر باید متقاعد بشود که بچه را ببرند و پیش دبستان بگذارند و اساساً پیش دبستان آیا تفاوتی با آن کلاس بغلی خودش یعنی پایه اول دارد یا ندارد؟

اگر تفاوت دارد تفاوتش چیست؟ اگر امتیاز دارد امتیازش چیست؟ اگر ملاحظاتی دارد ملاحظاتی چیست؟ این‌ها ربطی ندارد به اینکه شما چه بسته‌ای را استفاده می‌کنید. بسته الف یا ب یا جیم تفاوتی ندارد مهم این

است که ما یک دیدگاه داشته باشیم راجع به بچه پیش دبستانی. به واقع بچه پیش دبستان کیست و بچه پیش دبستان چرا به پیش دبستان می‌آید و چرا اینقدر توصیه می‌شود که پیش دبستان مهم است و چرا بعد از سال‌ها در وزارت آموزش و پرورش یک سازمانی ایجاد می‌شود و به صرافت می‌افتد آموزش و پرورش مملکت که نه کفایت نمی‌کند که ما در واقع یک بخشی را بهزیستی بپذیرد یک بخشی را آموزش و پرورش بپذیرد، یک نظامی باید داشته باشد یک نظارتی باید داشته باشد یک حمایتی باید وجود داشته باشد چه دلیلی دارد؟ یک کمی راجع به آن دلایل با هم دیگر خوب است که صحبت کنیم.

او سپس کلامش را با ذکر یک خاطره از یک نویسنده بزرگ ادامه داد. نویسنده‌ای که در سنین ۵ یا ۶ سالگی خود عاشق پروانه‌ها بود و دوست داشت تولد یک پروانه را شاهد باشد. به همین خاطر سعی کرد مدت زمان خروج پروانه از پیله را سرعت بخشد و در ادامه با مشکلی روبرو شد. ناصری در این رابطه خطاب به حاضران گفت:

”این کودک که صبر و حوصله چندانی نداشت و خیلی هم عجله می‌کرد با یک بزرگتری روبرو شد که او به این کودک گفت اگر می‌خواهی پروانه زودتر در بیاید این پروانه را در مشت بگیر و گرما بهش بده، ها کن این‌ها تو موجب می‌شود که این پروانه کم کم از پیله در بیاید. این بچه چون اشتیاق خیلی زیادی داشت برای اینکه این پروانه زودتر در بیاید خیلی با ممارست زیاد و با جدیت فراوان شروع کرد به‌ها کردن و کم کم دید این پروانه از پیله درآمد. پروانه از پیله خارج شد ظاهراً بال هم داشت ولی نمی‌توانست بال‌هایش را باز کند یک کمی نگاه کرد دید این پروانه خیلی نحیف است و بعد از مدت خیلی کوتاهی این پروانه مرد، یعنی نشکفته پژمرد. این پروانه همه چی داشت ولی چون که رشد طبیعی پروانه شدن را طی نکرده بود آن پروانه مرد. کسی که این خاطره واقعی را نقل می‌کند کازنتزاکیس نویسنده معروف یونانی است





دارند بچه‌ها یاد بگیرند ولی به دلایل مختلف نمی‌توانند بیاموزند به طور واقعی در بستر طبیعی زندگی کودکانه بچه یاد بگیرد. یکی از این موارد، کار گروهی است. دبیر بسته تربیت و یادگیری "من می‌دانم من می‌توانم" سپس ادامه داد و یادآور شد:

«بچه ۴ ساله ۵ ساله ۶ ساله همیشه نور چشمی پدر و مادر است چون پادشاه خانه است به تعبیر حدیثی که داریم امیر خانه است فرمانروا است پدر و مادر باید بچه ۵ ساله را به مثابه یک فرمانروا بگیرند پادشاه بگیرند همیشه حرف او حرف است. بچه ۵ ساله وقتی می‌آید متوجه می‌شود ۹ یا ۱۰ نفر دیگر مثل خودش وجود دارند اگر قرار است سرسره بازی کند باید ته صف بایستد و بدون اینکه کسی بهش بگوید متوجه می‌شود که دوست کناری اش قدش بلندتر است و آن یکی رفیقش قدش کوتاه‌تر است. بدون اینکه کسی بگوید، او متوجه تفاوت‌ها می‌شود. حرف زدن‌ها، روحیات، مهارت‌ها و چیزهایی که بچه بلد است این‌ها با هم متفاوت است. خیلی مهم است

که بچه در یک بستر طبیعی بدون اینکه "ها کند" بزرگ بشود و یکی از کارکردهای پیش دبستان این است که در یک فضای همسن و سال که تاثیر تربیتی‌اش و تاثیر یادگیری‌اش همین است. لذا خود به خود این فضا برای بچه از هر فضای دیگری مهم‌تر و بزرگ‌تر است.»

پس بچه پیش دبستانی به پیش دبستان می‌آید که دوستان جدیدی پیدا کند هم سن و سالان جدیدی پیدا کند هم بازی‌های

جدیدی پیدا کند اما نه در کوچه نه در خیابان نه در پارک، یک آدمی به نام مربی که دوست بچه‌ها و بزرگ‌تر از بچه‌ها است وجود ندارد. مربی ولی ارتباطش بسیار گرم‌تر از هر بزرگی است و بسیار جذاب‌تر است و خیلی چیزها بلد است و خیلی مهربان است و خیلی دوستش دارد. وقتی از بچه ۵ ساله سوال می‌کنیم که چرا اینقدر پیش دبستانی‌ات را دوست داری او در پاسخ می‌گوید آنقدر خانم‌مان مهربان است، آنقدر دوستش دارم. اصلا خیلی خیلی دوستش دارم. کودک اینجوری می‌گوید و شما به عنوان مربی بدون اینکه بخواهسی با رفتار و با برنامه‌ریزی که داری - که حالا در ادامه صحبت می‌کنیم - یک محیط غنی درست می‌کنی که این بچه بنا به فراخور استعدادها و تفاوت‌های

که کتاب زوربای یونانی را نوشته و کتاب گزارش به خاک یونان را نوشته و کلی کتاب‌های دیگر را هم نوشته و در ایران هم تقریباً بیش‌تر کتاب‌هایش ترجمه شده است. او می‌گوید این خاطره تلخ یعنی جسد آن پروانه مثل سنگین‌ترین چیزی است که بر شانه‌های وجدان من سنگینی می‌کند. زیرا من سعی کردم

به خاطر خودخواهی خودم زودتر از پيله آن را در بیاورم.

من این نکته را گفتم تا یادمان باشد که یک وقت در زندگیمان این کار بچگانه را نکنیم. قرار نیست ما به بچه ۵ ساله تند تند یک چیزهایی یاد بدهیم. اصلاً بچه ۵ ساله برای چی آمده پیش دبستان؟ برای چی می‌گویند پیش دبستان آمادگی است؟ آمادگی چیه؟

پیش دبستانی آمادگی خارج شدن از منیت کودکی به همراه جمع هم سن و سالان است. بچه ۵ ساله از خانه می‌آید بیرون در حالی

که یکی دو نفر، سه نفر، چهار نفر را بیش‌تر تا آن زمان نمی‌دید. یعنی پدر بزرگ مادر بزرگ را اگر می‌دید یک جمعیت محدودی بود. این جمعیت محدود همه بزرگ‌تر هستند. بچه باید سرش را بالا بگیرد تا پدر مادر خودش را حتی ببیند. اما حالا وارد یک فضای هم سن و سال و هم قد و قواره و هم فکر و هم تجربه خودش می‌شود. بچه پیش دبستانی وارد یک جایی می‌شود که جذاب‌ترین جا می‌تواند برایش باشد چون بهترین پدر و مادر برای او به اندازه بدترین هم سن و سال هم نمی‌شود. یعنی باز هم بدترین هم سن و سال از پدر و مادر برایش بهترین است. تاثیرگذاری‌اش بیش‌تر است. آمادگی است، آمادگی برای چی؟ برای اینکه چیزهایی که پدر و مادرها دوست

بازی‌های واقعی فقط به یک مربی عاشق تسهیل‌گر نیاز دارند نه یک آدمی که بخواهد هی یک چیزی را به بچه‌ها یاد بدهد و بگوید من حافظه بچه‌ها را اینجوری پرکردم

پیش دبستان یعنی؛ گفتار، رفتار و احساس پاک

این نویسنده مطرح کشور در خصوص چگونگی یادگیری در کودکان خردسال و پیش دبستانی در ادامه به نکات و تجربه‌هایی اشاره کرد که شاید خود مربیان هم تجربه برخورد با آن‌ها را داشته باشند. وی در این رابطه به تجربه حضور بچه‌ها در کنار بزرگترها در محیط‌هایی مثل پارک را یادآوری کرد و افزود:

”بچه‌های کوچک وقتی در پارک می‌روند، می‌بینید یک چیزهایی هم یاد گرفتند. مثلاً یک فحشی یاد گرفتند که اصلاً شما هم نشنیده‌اید. یعنی یکی یک چیزی گفت آن یکی خندید و بچه هم همین را خندید و شنید و یاد گرفت. بعد حالا پدر و مادر مثلاً می‌خواهند این حرف زشت را از کله این بچه در بیاورند. چرا محیط پیش دبستان می‌گویند نظام‌مند و سازمان‌مند است؟ به خاطر اینکه این بچه در معرض گفتار پاک و رفتار پاک و احساس پاک و آدم‌های پاک قرار بگیرد.

پس پیش دبستان جایی نیست که مربی دغدغه آموزش داشته باشد، اصلاً آموزش ربطی به پیش دبستان ندارد، دانش ربطی به پیش دبستان ندارد نه اینکه دانش در آنجا اتفاق نمی‌افتد، می‌افتد اما ربط مستقیمی ندارد. در سال اول دبستان می‌گویند الان در نقطه‌ی آ هستیم سه ماه بعد به نقطه‌ی ب می‌رسیم سه ماه بعدش به نقطه دیگر می‌رسیم. در پایان یک ارزشیابی. حالا چه نمره، چه توصیفی. خوشبختانه خدا

را شکر توصیفی باید انجام بشود ولی بالاخره ارزشیابی باید بشود الفبا را یاد گرفت یا نه، اعداد را یاد گرفت یا نه، اشکال را یاد گرفت یا نه چهار

خودش از این محیط غنی با شاخک‌های حس‌ی خودش یک چیزهایی را بگیرد. چرا می‌گوییم شاخک‌های حس‌ی؟ به خاطر اینکه خواهران بزرگوار و برادران عزیز، شما می‌دانید که دوره پیش دبستان دوره دانش نیست و دانش آموزی جای دیگر است، دوره احساس است دوره عاطفه است، دوره تاثیرگیری است، دوره دل است تا دوره عقل، دوره عاطفه است تا دوره منطق، دوره احساسات است تا دوره استدلال.

به خاطر اینکه کودکان ۵ ساله در همه جای دنیا خیلی به هم شباهت دارند. تفاوت‌های فرهنگی، تجربه‌ها، دانش‌ها و در مجموع فرهنگ یک آدمی را می‌سازد که چه جوری می‌خواهد باشد. پس یادمان باشد که ما مربی هستیم نه تعلیم دهنده. ما اگر هم تعلیم دهنده باشیم تعلیم دهنده نامرئی غیر واضح هستیم و چه هنری بزرگ‌تر از اینکه کسی بتواند روی یکی تاثیر بگذارد بدون اینکه بخواهد آن را بگوید. این تفاوت‌ها مربوط به مربی است، حالا هر کجای دنیا که می‌خواهد باشد. در حدیث شریف هم داریم که می‌فرماید:

(کونوا دعاة الناس بغير السننکم) اگر مردی، اگر زنی، اگر خانمی اگر آقایی اگر انسانی، طوری مردم را دعوت

کن بدون اینکه با آن‌ها حرف بزنی.

یعنی رفتار کن و شما رفتار می‌کنید و مربی رفتار می‌کند، رفتارهای مربی است که سازنده است. همه‌ی ما

مدرسه رفتیم، دانشگاه

رفتیم، آدم‌های مختلف را

دیدیم، آدم‌های تاثیرگذار زیادی

را دیدیم اما آن چیزهایی که در

ذهن ما مانده چیزی از جنس

رفتارها و حس‌های ما است، نه دانشی که

پیدا کردیم. حتی اگر معلم فیزیک قوی داشتیم،

معلم ریاضیات خوبی داشتیم آن چیزی که اثر روی

ما گذاشته اثرات ذاتی و وجودی آن آدم بوده است. یعنی از

مسیر دل، از مسیر نادیدنی، احساسات تاثیر خودت را روی

آدم‌ها می‌گذاری. پس به مراتب بیش از دبستان و متوسطه

یک و متوسط دوم و دانشگاه و هر جای دیگری. بچه‌های

۵ ساله و بچه‌های پیش دبستانی تاثیرپذیر از ما هستند

بدون اینکه بخواهیم به آن‌ها چیزی را یاد بدهیم چون

آن‌ها خودشان یادگیرنده هستند سیستم روانی بچه‌ها خود

یادگیرندگی است.”





مهارت را یاد گرفت یا نه. این نظام آموزشی دبستان است یعنی یک نظام تعریف شده رسمی کاملاً مشخص. این را ما در پیش دبستان نداریم نه اینکه نداریم داستانش یک جور دیگر است. از یک جای دیگری باید دید. تربیت و یادگیری برای پیش دبستان قشنگ تر است. چون می‌دانید فرق آموزش و یادگیری این است که آموزش یعنی یک معلمی خودش را مسئول یاد

دادن چیزی می‌داند ولی یادگیری یعنی یادگیرنده خودش یاد می‌گیرد و دنیا را یادگیرنده‌ها بالا می‌برند نه کسانی که دائماً آموزش می‌بینند. یادگیرنده‌ها یعنی خودشان یاد می‌گیرند، یعنی فطرت یادگیری یک فطرت خدادادی است برای همه.

وی گفت: «اینستین می‌گوید ۹۰ درصد بچه‌هایی که به دبستان نرفته‌اند به طور طبیعی خلاق هستند. وقتی وارد آموزش رسمی شدند این ۹۰ درصد کاهش پیدا می‌کند به ۵ الی ۱۰ درصد. اینکه می‌گوید مدرسه خلاقیت‌کش است به

خاطر این است که مدرسه مکانیزی را طراحی می‌کند که یک چیزی را به شما یاد بدهد و از تو پس بگیرد ولی پیش دبستان این ویژگی را ندارد. پس محیط پیش دبستان محیط رسمی نیست، محیط پیش دبستان محیط اجباری نیست، محیط پیش دبستان تکلیف ندارد و در محیط پیش دبستان آزادی بچه مهم است. در پیش دبستان تفاوت‌های فردی اصالت دارد نه هم‌رنگ کردن بچه‌ها با هم. در دبستان‌ها و مدارس متوسطه و کلا در مدارس یک هم‌رنگی عمومی می‌سازند یک سطح متوسط می‌گیرند هر چه بالاتر برود می‌گویند ما معلم قدرتمندتری هستیم حالا این چه اتفاقی در کسانی که به عنوان دانش آموز نشستند می‌افتد آن دیگر داستان و نقد خودش را دارد. به همین جهت

است که در دنیای امروز برخی آموزش رسمی را با اینکه حق مسلم کودکان است، بر نمی‌تابند و آموزش در خانه (home school) به وجود آمده و مدارس دیگر به وجود آمده و تنوع مدرسه‌ها به وجود آمده است. می‌دانید دلیلش چیست؟ دلیلش این است که مدرسه‌ها دارند برای یک نظام صنعتی یا نظام حتی کشاورزی یا هر نظام اجتماعی کارگر تربیت می‌کنند، تکنسین تربیت می‌کنند، مهندس تربیت می‌کنند. این حرف‌ها را من برای دبستانی‌ها هم می‌زنم ولی بعداً نتیجه‌ای که می‌گیریم متناسب با دبستان تغییر می‌کند ولی پیش دبستانی‌ها آزاد و رها هستند، از این قیود رها هستند. همه حرف‌های من را هم در اسناد بالادستی وزارت آموزش و پرورش می‌توانید پیدا کنید. من دارم ساده شده‌اش را برابر فهم خودم با شما به اشتراک می‌گذارم و الا این‌ها هیچ چیز عجیبی نیست. می‌گویند آموزش و پرورش در تراز ایرانی و اسلامی خودش باید حیات طویه ایجاد کند و حیات طویه مراتبی دارد، این‌ها متون اسناد است. من به شما می‌گویم فضا را غنی کنید از رفتار و گفتار پاک و شخصیت‌های پاک و ارتباطات پاک همان می‌شود. پس تکلیفی به بچه نمی‌دهید و تکلیفی از بچه نمی‌خواهید.

این تجربه جدا شدن بچه‌ها و ورودشان به پیش دبستان باید یک تجربه دلنشین باشد و یک تجربه شورانگیز و نشاط آور باشد و یک تجربه جذاب باشد. به تعبیر خودشان کیف کنیم و تو قرار است که آن محیط را بسازی تو منظورم موسس محترم، مدیر محترم و مربی محترم است که جلودار است.

ناصری در ادامه به نکته مهم حد یادگیری و تفاوت‌های فرهنگی در این زمینه اشاره کرد و تأکید کرد: «در دبستان حد یادگیری معلوم

است یعنی می‌گویند در ریاضی در شورای عالی آموزش و پرورش برای اول دبستان سیلابس‌های ریاضی‌اش این است دوم این است سوم این است. چه کسانی نشستند؟ آدم‌های کارشناس، صاحب نظر، متخصص. بنده خودم ۱۵ سال در جلسات سازمان پژوهش بودم کاملاً روند طراحی یک ماده آموزشی را می‌دانم که روالش چگونه است. آنجا سیلابس معنی دارد حد یادگیری معنی دارد. اما مربیان محترم در پیش دبستان حد یادگیری هر بچه‌ای خودش است نه کناریش نه جلو سرش نه پشت سرش.

چون که آهنگ رشد و سیستم رشد آدم‌ها و بچه‌های ۵ ساله با همدیگر فرق دارد. یعنی یک بچه ۵ ساله و ۶ ساله تا ۶ سالگی تا ۷ سالگی می‌بینید که بعضی‌ها خیلی زودتر

تصاویر این لوحه‌ها برای بچه‌ها جالب و جذاب است و شما می‌توانید به دفعات از این تصاویر برای انجام فعالیت‌های یادگیری کودکان از آن‌ها بهره‌لزم رابیرید



یک چیزهایی را متوجه می‌شوند بعضی‌ها نه، انگار خیلی بچه هستند یعنی در خیال خودشان هستند، هیچ عیبی ندارد قرار نیست همه بچه‌ها سر پنج سالگی تا پنج و نیم سالگی به این چیزها برسند. بچه‌ها با همدیگر متفاوت هستند هم روحیاتشان متفاوت است هم استعدادهایشان متفاوت است هم محیط خانواده‌شان متفاوت است، محیط زندگیشان متفاوت است. به همین جهت طبیعی است که آهنگ رشدشان و روالشان با هم فرق بکند و مربی خبره و مربی آگاه این تفاوت‌های فرهنگی را غنیمت می‌داند و به آن‌ها احترام می‌گذارد و سعی نمی‌کند مریم را به فاطمه برساند فاطمه را به سارا برساند و ساره را به... سارا برای خودش یک شخصیت مستقلی است مریم هم همینطور محمد هم همینطور علی هم همینطور. هر بچه‌ای با خودش مقایسه می‌شود نه با بغلیش تفاوت‌های فردی این چیزها در دبستان نادیده گرفته می‌شود یعنی تا سطح متوسطی تعریف است پایین‌تر می‌گویند ضعیف است بالاتر می‌گویند خیلی خوب است بعد هم می‌شوند سوگلی بالایی‌ها. می‌شوند سوگلی ضعیف‌ترها. بیش‌ترین لطمه را در مدرسه رسمی، متوسطاها می‌خورند؛ ۶۰ درصد هستند ولی دیده نمی‌شوند.

شدن کودکان اشاره کرد و از مربیان خواست به این مهم توجه دقیق نشان داده و تلاش کنند تا بچه‌ها به طور صحیح در کلاس و فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند دیده شوند. او در همین زمینه گفت:

”بچه‌های پیش دبستان عاشق دیده شدن هستند ولی ما هم برای این عده باید سناریو داشته باشیم. می‌گوید بزرگ‌ترها هم عاشق دیده شدن هستند، بله همه عاشق دیده شدن هستند،

اما درست دیده شدن مهم است.

نکته دیگر اینکه یاد گرفتن در پیش دبستان غیر مستقیم است نه مستقیم یعنی می‌خواهم بگویم دوره پیش دبستان خیلی نزدیک به هنر است، چون فلسفه ذاتی هنر هم تقسیم احساس، حتی اندیشه به شکل غیر مستقیم است. پس در واقع شما به واقع آدم‌های هنرمندی هستید که اگر این رشته را انتخاب کردید و آمدید و بعد آن هنر را بلد باشید و به کار بگیرید. شما ممکن است

نقاشی خوب بلد باشید یا روایتگر

خوبی باشید. شعر می‌دانید و آدم خیلی پر جنب و جوش هستید. همه‌ی این‌ها برای شما یک ابزار است و نکته بعدی بحث کیفیت یادگیری در پیش دبستان است. من می‌توانم بگویم کیفیت یادگیری برتر از کمیت یادگیری است، فرایند یادگیری مهم‌تر از نتیجه یادگیری است.

فرایند اصل است این مدل آموزش و پرورش ژاپن است برخلاف مدل آموزش و پرورش آمریکا. آمریکا نتیجه‌گرا است ژاپن فرایندگرا است. یعنی چی؟ یعنی این مقدمات انجام یادگیری مهم‌تر از این است که بچه آخر به آن نتیجه‌ای که تو می‌خواهی برسد. بچه موقعی که می‌خواهد ریاضی بخواند مهم این است که از کجا شروع می‌کند چه جوری می‌رود اگر یک منفی را مثبت زد بعد نتیجه غلط درآمد اگر فرایند را درست رفته باشد نمره

تنها صفحه‌ای که شما در هفته دو بار حداقل ممکن است بیش‌تر مراجعه کنید این دو صفحه است که بالای آن نوشته، تفکر حل مسئله

وقتی معلم می‌گوید: مریم آفرین تو که یاد گرفتی خب تو سارا باز هم یاد نگرفتی؟ بچه‌ها یک بار دیگر می‌گویم سارا هم یاد بگیرد، متوسطاها هیچی. در همه جای دنیا این مسئله وجود دارد و ما بیش‌ترمان متوسط هستیم و جالب است که متوسطاها دنیا را می‌چرخانند بعداً، آدم‌های نابغه درجه یک بعداً می‌آیند زیر نظر یک آدم متوسط و آن اداره می‌کند دیده هم نمی‌شوند و پیش دبستان جای این است که تک تک

بچه‌ها باید دیده بشوند، پیش دبستان

جای این است که بچه‌ها آمدند برای اینکه دیده بشوند بعد اینقدر باحال هستند که اصلاً اینطور نیست تو وقت آنچنانی بگذاری به مریم همین که دستی روی سرش کشیدی به فاطمه یک لبخندی زدی تمام شد و رفت یعنی به همین راحتی آنقدر قانع هستند که این چیزها را می‌بینند ولی مربی که بلد است این کار را می‌داند. مربی که بلد است از اول یک سناریویی دارد برای دیده شدن تک تک بچه‌ها هر کی هم به فراخور خودش یک جوری دیده می‌شود.”

فرآیند یادگیری مهم‌تر از نتیجه یادگیری

مدیرمسئول اسبق مجلات رشد در ادامه نوع رفتار و برخورد با بچه‌ها در پیش دبستان به موضوع اهمیت دیده

دارد اگر ۲ نمره است ۱ و ۷۵ را باید به آن بدهید چون فقط یک مثبت و منفی را در حل مسئله اشتباه کرد.

فرایند مهم است به خاطر اینکه اصلاً تو تعیین کننده نتیجه نیستی وقتی کسی یاد گیرنده است خودش نتیجه را باید تعیین کند نه تو. نکته‌اش را گرفتید چی شد؟ شما فرایند کار یادگیری و تعلیم خودت را انجام می‌دهی با توجه به تفاوت‌های فردی بچه‌ها هر کی خودش دریافت خودش را می‌گیرد چون حد یادگیری‌اش متفاوت است و چون سطح یادگیری‌اش متفاوت است و چون قرار نیست که تو حتماً این را به آنجا برسانی. در پیش دبستان هیچ مربی موظف به اینکه بچه‌ها را به زور به جایی برساند نیست، هر بچه‌ای خودش رسید، رسید، رسید زیرا آن‌ها با همدیگر متفاوت هستند.

وی سپس به نمونه‌ای از تجربه‌های دکتر عبدالعظیم کریمی یکی از بهترین اندیشه‌ورزان تعلیم و تربیت کشور در این جلسه اشاره کرد و گفت:

”دکتر کریمی بیش از بیست و چند سال مدیر پرز و تیمز بودند که یک جمله خیلی خوبی دارند. ایشان می‌گوید: طرح نوشت فطری که خداوند در بچه‌ها قرار داده آن را باید تایید کرد نباید آن را تغییر داد. یک بار دیگر این جمله را بگویم طرح نوشت فطری که خداوند متعال در وجود هر بچه‌ای قرار داده را نباید تغییر داد باید تایید کرد. معنی این حرف این است که استعدادها هر بچه را شما تا می‌بینید با توجه به آن تاییدش کنید نه اینکه تغییر بدهید. یعنی یک بچه‌ای اگر هوش هیجانی‌اش خوب است فکر نکنید فقط هوش ریاضی مهم است آن را باید تایید کرد. یک موقعی مثلاً می‌گفتند هر کسی ریاضی‌اش خوب است خیلی فلان است هر کس آبی کیبوش بالا است فلان است بعد دیدند نه کل دنیا را آدم‌هایی که روابط عمومی قوی دارند می‌چرخانند. اصلاً

هم آبی کیو آن‌ها بالا نیست و متوسط است، ولی خیلی روابط عمومی عالی دارد. خیلی ارتباطات خوبی می‌تواند برقرار کند، دیدند که این متوسط از کسی که نابغه ریاضی کلاس بوده بالاتر است و آن نابغه الان زیر دست این شخص قرار می‌گیرد. زیرا او که معادلات ریاضی را خوب می‌فهمد اما اصلاً با بغل دستی‌اش نمی‌تواند سازگار باشد و همه‌اش در عالم خودش است پس اون مهم‌تر از این است. البته همه این موارد مهم است چون او جایگاه خودش را دارد نمی‌خواهیم او را تایید کنیم این را تکذیب کنیم، ولی آدم‌ها متفاوت هستند بچه‌ها متفاوت هستند. تو نمی‌خواهی تغییر بدهی تو باید توانایی‌های بچه‌ها را تایید کنی.

ایده‌های ذهنی پدر و مادرها و مربی‌ها باعث می‌شود که روی بچه‌ها فشار بیاید. پدر و مادرها و موسسین محترم و مدیران که در این جلسه حضور دارند خواهش می‌کنم توجه کنید، پدر و مادرها فکر می‌کنند بچه‌ها را می‌فرستند پیش دبستان که دوپینگ شود. وقتی رفت دبستان حروف الفبا را بلد هستند، ریاضیات را بلدند، خانم اجازه ما ۶ تا سوره حفظ کردیم خانم اجازه ما نقاشی فلان، اصلاً این نیست اصلاً در پیش دبستان این چیزها ممنوع است. در پیش دبستان آموزش الفبا ممنوع است اصلاً نباید تو انجام بدهی چون وظیفه کسی دیگر است. یعنی دخالت کردی در حریم معلم اول دبستان، نباید این کار را بکنی.”

در دنیای کودکی سیر و سیاحت کنید

مدرس این جلسه در ادامه به ایده‌های ذهنی والدین و خواسته‌هایشان از مربیان و موسسان پیش دبستان اشاره کرد و یادآور شد که ریشه این ایده‌های ذهنی همانا چیزهایی است که خود والدین به آن‌ها نرسیده‌اند و حالا



انتظار دارند که فرزندشان به آن‌ها برسد. والدین حتی حاضرند معلمان متعددی برای فرزند خود بگیرند تا مثلاً این بچه وارد رشته تجربی شده و سرانجام پزشکی شود در حالی که علاقه و استعداد بچه اصلاً در این رشته نیست. ناصری در همین ارتباط تأکید کرد و گفت:

” شما اسم مارادونا را شنیده‌اید؟ فوتبالیست درجه یک است. دو تا از ویژگی‌های مارادونا یعنی فرارهای او در بازی و مهار کردن توپ او مشهور شده است. این در حالی است که او در کودکی بسیار فقیر بود و تنها یک توپ داشت که در فضای پشت خانه‌شان به تمرین می‌پرداخت. ساعت‌ها و روزهای متمادی توپ را به دیواری می‌زد و آن را خوب می‌گرفت و مهار می‌کرد و از طرف دیگر او به دلایل مختلف از دست تنبیه‌های پدرش خوب و زیرکانه می‌دوید و فرار می‌کرد. بعد از مدتی که او را برای بازی در تیم فوتبال می‌خواستند،

به خاطر چهره و جثه‌اش سن او را باور نمی‌کردند تا اینکه مادرش شناسنامه مارادونا را ارائه کرد و پذیرفته شد. حالا همین شخص مشهور در فوتبال آدم عجیب غریبی می‌شود ولی در مسائل اخلاقی یک آدم بی‌ربط می‌شود. تجربه‌های زیادی داشته است. می‌گویند موقعی که تو تیمارستان می‌روندی، دیوانه‌ها هر کدام یک چیز می‌گفتند. مثلاً یکی می‌گفته من رئیس جمهور فلان جا هستم. نوبت این که می‌شود می‌گوید من مارادونا هستم. همه

او را مسخره می‌کنند و می‌گویند حرف اضافه زن. در واقع هیچ‌کس باور نمی‌کند مارادونا است. می‌گوید من به خدا مارادونا هستم، می‌گویند نه مارادونا نیستی، قبول نمی‌کنند.

چقدر بچه‌ها هستند که در یک چیزهایی استعداد ویژه‌ای دارند و هیچ‌کس متوجه نمی‌شود، مخصوصاً پدر مادرها. چرا پدر و مادرها متوجه نمی‌شوند؟ به خاطر اینکه پدر و مادرها یک طرح نوشت ذهنی دارند، می‌خواهند بچه را به آنجا برسانند. همین مارادونا آنقدر در فرارها قوی بوده به خاطر اینکه همیشه لباسش را کثیف می‌کرده و پاره می‌کرده فقیرم بودند پدرش دنبالش می‌کرده و او آنقدر از دست پدرش فرار می‌کرده و از دست همه فرار می‌کرده که فرار را یاد گرفته بود. از همین ویژگی در فوتبال هم استفاده می‌کرده است.”

وی سپس در ادامه خطاب به مربیان حاضر در جلسه توصیه می‌کند تا در حد توان خود کتاب‌های مرتبط با حوزه کودک را مطالعه کنند و به واسطه مطالعه کتاب‌های ادبیات، شعر، قصه، داستان و روانشناسی میزان دانش و آگاهی خود را افزایش بدهند. او همچنین تماشای کارتون‌های مورد علاقه بچه‌ها توسط مربیان را یک امر

ضروری برای این کار دانسته و می‌افزاید: ” این‌ها ما را وارد دنیای کودکی می‌کند. من یک موقعی مدیر مسئول مجلات رشد بودم. آن زمان همکاران و نویسندگان مجله رشد کودک به سردبیری خانم شکوه قاسم نیا وقتی می‌خواستند جلسه شورای نویسندگان و شاعران را برگزار کنند. به ما گفته بودند که جلسات مجله ما بعد از ساعت ۴ بعدازظهر باشد که سروصدای ما دیگران را اذیت نکند. برای من سوال شد که چرا این زمان؟ جواب این بود که ما باید برای این نویسندگان کودک و خردسال نویس فضای کودکانه ایجاد کنیم تا بهتر در آن موقعیت قرار بگیرند. خب در این کار فریاد زدن و هورا کشیدن است. فردا شما نگویند که چرا این‌ها شلوغ هستند. من هم بارها متوجه این سروصدا و جلسات می‌شدم. وقتی می‌رفتم می‌دیدم روی میز پر از خوراکی‌های کودکانه است و جلسه شروع می‌شد و گاهی تا

۹ شب هم طول می‌کشید، به خاطر اینکه در فضای کودکی باید قرار می‌گرفتند. فضای کودکی فضای رهایی است و مسئولیت نداشتن است. یک سری شعرهایی تولید شد که این شعرها بارها فروش رفت و خیلی مهم شد. وقتی این شعر را منتشر کردند به خاطر اینکه تو باید به آن حس و حال کودکی برسید.

شما هم باید همان عکس العمل‌ها و رفتارها و نگاه‌های کودکانه را داشته باشید. به همین جهت اگر شما به عنوان آدم‌هایی که مربی هستید بتوانید آن فضا را برای خودتان حفظ کنید شما احتمالاً در تولید فرهنگی کودکی و کودکان، آدم‌های موفق‌تری خواهید بود. چون ما بزرگ که می‌شویم یادمان می‌رود و فراموش می‌کنیم. آن احساسات را فراموش می‌کنیم و این مهم است که ما فضای کودکی را یادمان باشد. این راه بزرگی است راه شیرینی هم است.”

بسته خوب پشتیبان دارد

ناصری در ادامه خطاب به مربیان در باره ویژگی‌های یک بسته خوب گفت:

” نکته دومی که می‌خواستم بگویم این است که یک بسته‌ی خوب صرف نظر از اینکه ” من می‌دانم من می‌توانم ” باشد چه ویژگی‌هایی دارد؟ آن ویژگی‌ها را اول بدانیم بعد همه چی را با آن محک بزنیم. ما شاقول را داشته باشیم ترازو را داشته باشیم کیلو را بگذاریم و بگوییم یک کیلو می‌خواهیم حالا وزن کنیم بینیم یک کیلو است یا نیست. این را هم که می‌گویم دوباره برگرفته از اسنادی است که برای یک بسته خوب تولید شده است. ببینید اولاً یک بسته خوب کار یک انتشارات نیست،

کتاب راهنما مهم‌ترین جزء
مربی است، اولین جزء
کتاب بسته من می‌دانم
من می‌توانم و مهم‌ترین
جزء آن



جلسه که تعداد قابل توجهی از مربیان شرکت کننده در آن با این بسته آشنایی داشتند خطاب به حاضران گفت: "ما آرام آرام به این نتیجه رسیدیم که باید بسته را تغییراتی داده و این کار را در چند مرحله انجام دادیم. یکی دیگر از مهم‌ترین چیزهایی که بسته باید داشته باشد و ما سال اول و دوم نداشتیم بحث راهنمای والدین بود. هیچ راهنمایی برای والدین نداشتیم.

اگر یک مثلثی ترسیم کنیم، یک ضلعش مربی است، یک ضلعش نوآموز است یک ضلعش هم والدین است. ارتباط منطقی بین این سه ضلع باید روشن باشد. اولاً سه ضلع داشته باشد ثانیاً ارتباطش معلوم باشد که چیست. پس یک بسته خوب طبیعتاً یک بسته‌ای باید باشد که ارتباط منطقی بین این اضلاع داشته باشد. تکلیف اولیا روشن باشد تکلیف مربی هم روشن باشد تکلیف نو آموز هم روشن باشد.

یک بسته ۱۰ قصه دارد خوب من از این ۱۰ قصه ۶ تا را دوست دارم ۴ تا از آن‌ها را به هر دلیلی نمی‌خواهم استفاده کنم. اگر قرار است ۱۰ تا کار کنی، خوب باید ۲۰ تا داشته باشی که از داخل آن‌ها بشود انتخاب کرد. این بسته مثلاً ۱۰۰

قصه دارد که تو ۵۰ تا بیش‌تر لازم نداری و یا نمی‌توانی کار کنی. تعداد ۱۰۰ تا شعر دارد، مثلاً می‌خواهی ۴۰ تا را کار کنی. بسته باید قابلیت انتخاب برای مربی داشته باشد.

ناصری در ادامه با ذکر یک مثال برای روشن‌تر شدن این موضوع گفت: "وقتی شما به یک رستوران می‌روید شخصی برای شما برگه سفارش (منو) می‌آورد یعنی شما دارای حق انتخاب هستید. حال اگر شما از بین غذاهای موجود تعدادی را انتخاب کرده اما این جواب را بگیری که ما این‌ها را نداریم، خواهید گفت: پس این لیست سفارش به چه درد می‌خورد وقتی من حق انتخاب ندارم.

کار یک مرکز است. انتشارات کارش این است که یک چیزی را تولید می‌کند. این کفایت نمی‌کند. چون ناشر، کار خود را به کتاب فروش یا مرکز توزیع پخش می‌دهد و می‌رود دنبال کار خودش. اما کسی که در حوزه یادگیری و تربیت کار می‌کند باید یک مرکزی باشد که پشتیبان این بسته‌اش باشد. یعنی بسته‌اش را دائم پشتیبانی یا به تعبیر فرهنگی‌ها حمایت کند. یعنی اگر مربی این کتاب "دنیای من" در کتاب با مشکلی روبرو شد، باید بتواند با آن مرکز ارتباط برقرار کند. باید بتواند با آن‌ها تعامل داشته باشد. چرا ما این بسته را نسبت به

دو سال پیش تغییر دادیم؟ من الان توضیح می‌دهم. می‌گویید چقدر تغییر کرده است. بلکه به خاطر اینکه بسته زنده است، یعنی من که به کارگاه‌ها می‌روم در کارگاه‌ها می‌گویند آقای ناصری این لوح‌های تصویری که شما گفتید اهمیت دارد، موسسه می‌گوید نیازی نیست زیرا در اول کتاب این لوح وجود دارد. موسس می‌گوید این لوح را بگذار بچه‌ها باز کنند. اما ما می‌گوییم آخر این صفحه کتاب که آن نمی‌شود. می‌گوید نه نمی‌شود. ما فهمیدیم که این‌ها را باید آماده کنیم. یا گفتند آقای ناصری

کسی که این شعرها را خوانده خوب نخوانده، من از آن بهتر می‌خوانم. خوب بهتر می‌خوانی خودت بخوان. ما به همین خاطر کار را دادیم در استودیو با ریتم خوانده شود تا مربی بتواند استفاده کند. این کارها را بچه‌های رادیو نمایش اجرا کرده‌اند. این‌ها تغییراتی است که در بسته داده می‌شود. بسته خوب بسته قابل انعطاف است. برای مثال ما کاربرگ اصلاً نداشتیم کسانی که این بسته را کار کردند دو سال پیش کاربرگ نداشتند.

بسته کامل و جامع بسته‌ی انعطاف پذیر و قابل تعامل است. ما آرام آرام به این نتایج رسیدیم. دبیر بسته "من می‌دانم من می‌توانم" آنگاه در ادامه این

مهم‌ترین ویژگی این بسته نسبت به تمام بسته‌های دیگر وجود کتاب راهنمای والدین

حال ممکن است شما به جای دیگری رفته و برای شما برگه سفارش بیاورند و شما سوال کنید کدام یک از غذاها بهتر است و به شما پاسخ دهند غذای سرآشپز ما امروز سینی مخلوط است. وقتی شما حق انتخاب داشته باشید، وضعیت خیلی فرق می کند.

در این کتابها هم برای شما نقشه راه قرار داده شده است و شما علاوه بر این حق انتخاب هم دارید. یعنی برای اولین روز تا آخرین روز هفته کار در پیش دبستان به شما برنامه داده شده است و شما علاوه بر این خودتان می توانید آنچه را که دوست دارید انتخاب و اجرا کنید. یعنی اگر دوست نداری برو تو فعالیتها هر چه می خواهی بردار ۴ تا از اینجا بردار ۳ تا هم از آنجا بردار و اینها قابل جابجایی است. چون پیمانه‌ای طراحی شده است. این حق انتخاب داشتن مربی به کار شما هیچ

لطمه‌ای وارد نمی کند. پس انعطاف پذیر بودن و پر و پیمان بودن بسته هم باید وجود داشته باشد. دبیر اسبق جشنواره کتاب رشد سپس به نکته مهم تبادل ارتباط بین مربیان و موسسان پیش دبستان با مرکز تولید بسته جامع تربیت و یادگیری اشاره کرد و گفت:

” امکان تبادل نظر مربی و آن مرکز یادگیری باید وجود داشته باشد. جناب آقای شهابلو فرمودند ما یک کانال و یک وبگاه داریم که حالا توضیحات بیشتری هم خواهند داد. همچنین کارگاههایی هم

در این ارتباط برای مربیان محترم داریم. برای مثال اگر خانم حبیبی خواستند که برای مربیان، کارگاه این بسته را برگزار کنند، کافیست با مرکز ما تماس بگیرند و ما در خدمت شما هستیم.”

دوستی و رفاقت با بسته تربیت و یادگیری

ناصری در ادامه و تکمیل این بخش از صحبت‌های خود خطاب به مربیان در خصوص اختیار داشتن در انتخاب فعالیتها گفت:

” ما پیشنهاد دادیم که حتماً کار کنید. اما اگر مثلاً شما این بازی را شروع کردید و بچه‌ها آن را انجام دادند و به جای نیم ساعت ۲ ساعت طول کشید، حرص نخورید که ما چرا نتوانستیم قصه را بخوانیم. خب نخواندید آسمان که به زمین نیامده است. اینکه فرایند مهم تر از نتیجه است یعنی این. شما سناریوی خودت این دو صفحه است اما در عمل پسر بچه‌ها رفتند بازی کنند ولی مگر می شود آن‌ها را جمع کرد؟ وقتی بچه‌ها دارند با هیجان و شور و شوق بازی می کنند آن اتفاقی که باید در اهداف آموزشی بیفتد جنب و جوش داشتن، تحرک جسمانی، کار گروهی، همه اینها دارد اتفاق می افتد. گیرم که حالا

این قصه‌ها را نشنید خب نشنیده باشد، اشکالی ندارد دستت باز است. پس این دو صفحه را پیشنهاد کردیم ولی دخترها ماشاءالله باهوش و تیزهوش هستند. حالا این چهار تا را انجام دادند. خب حالا برو فعالیت‌های بیش تر را انجام بده کدام فعالیتها را انجام بدهیم؟ دخترانه‌هایش را انجام بدهید.

پس شما دست و بالت باز است برای اینکه چه جوری با این بسته کار کنی. باید با این بسته رفیق بشوید.” وی در ادامه اهمیت کتاب راهنما را برای مربیان تشریح کرد و افزود:

” این کتاب راهنما را خواهش می کنم در ایام تابستان حتماً یک بار از اول تا آخر بخوانید. لازم نیست مثل کتاب درسی بخوانید، ۱۰ صفحه بخوانید بعد کنار بگذارید بعد دوباره به جای اینکه این همه موبایلتان

را چک می کنید، چند صفحه دیگر را بخوانید. آنهایی که رمان خوان حرفه‌ای هستند خیلی از رمان‌ها را در همین ۱۰ دقیقه، ۱۰ دقیقه‌های‌ها خوانده‌اند. پس یکی از اجزای مهم این بسته راهنمای مربی است. وقتی یک هفته دو هفته سه هفته جلو بروید منطقی‌ست. دستتان می آید که چیست. من الان به شما گفتم دو صفحه دو صفحه است هر دو صفحه‌ای یک تعداد از کار را معرفی می کند. هر کتاب نوآموز در هفته ۴ صفحه دارد، دو صفحه آن مهارت‌های مفاهیم عمومی است در قالب وصل

کن، متصل کن، رنگ کن. این موضوع چه ربطی دارد؟ یک صفحه آن تفکر و حل مسئله است یک صفحه آن هم زبان آموزی. تنها صفحه‌ای که شما در هفته دو بار حداقل ممکن است بیش تر مراجعه کنید این دو صفحه است که بالای آن نوشته تفکر حل مسئله.

بچه‌ها ممکن است اول بگویند چرا؟ ولی بعداً مثل قصه کمی که جلوتر رفتید شیرین می شود. دیدید برای بچه قصه‌ای را تعریف می کنید می گوید یک بار دیگر آن قصه را بگو. می گویند قصه را که تعریف کردم چون در باز شنیدن و باز خوانی قصه چیزهای جدیدتری پیدا می کنند. بچه با صفحه تفکر و حل مسئله آشنا می شود بعد خودش می گوید حالا چیز جدید می خواهم از این پیدا کنم. چون بچه‌ها یکی از ویژگی‌هایشان تیز بینی و دقت نظرشان است. اینکه این به مثابه یک بازی می شود. حالا ببینیم مثلاً برای ما چه برنامه‌ای دارد به شما نمی گویند ولی حالا ببینیم بقیه برنامه‌شان چیه.

یک چیز دیگر هم زبان آموزی است. خواهش می کنم زبان آموزی را حتماً در دو روز بگویند چون قسمت بالا هم آواها را می گویند. قسمت پایین صداهای همپایان را می گویند. یکی اول هفته مثلاً روز یکشنبه یکی روز

کسی که در حوزه یادگیری و تربیت کار می کند باید یک مرکزی باشد که پشتیبان این بسته اش باشد



توسط سخنران جلسه، سوالات خود را طرح کرده و پاسخ لازم را دریافت می‌کردند:

- الان ما یک صفحه از کتاب را که درس می‌دهیم کاربرگش هم جدا است؟
- بله کاربرگش جداست.
- روی تخته ما نمی‌توانیم از کتاب زیاد درس بدهیم. کتاب زود تمام می‌شود یعنی باید خود ما هم باز کاربرگ‌های...

نه چیزی که شما توی کتاب انجام می‌دهید و کاربرگ فعالیت‌های مداد کاغذی است. ولی در قالب‌هایی که دارید نمایش خلاق دارید، به کتاب کاری ندارید. نقاشی دارید به کتاب کاری ندارید قصه‌گویی دارید شعر دارید بازی دارید همه این‌ها در کتاب مربی است. آن چیزی که مداد کاغذی است گفتیم ۵۰۳ تا ترکیب کار مداد کاغذی ۴ جلد کتاب به اضافه کاربرگ است.

اگر جسارت نباشد وجود ماز در مجموعه خیلی خوب است. ماز قدرت تحلیل و حل مسئله آن‌ها را بالا می‌برد. دوم اینکه در وصل کردن‌ها خیلی بی‌نظمی می‌شود.

- این‌ها ماز نیست؟

ما ماز را در حد حل مسئله...
پا صفحه همه کتاب‌ها به خاطر این است که بچه‌ها از سمت راست به چپ را یاد بگیرند و مداد را چه جوری در

چهارشنبه این‌ها باید از همدیگر جدا باشند.
در کتاب‌های نوآموز، هر هفته ۴ صفحه نوآموز کار می‌کند به اضافه یک صفحه از کاربرگ. کاربرگ‌ها را هم بعضی‌ها نمی‌دانستند سیمی کرده بودند این کاربرگ‌ها را باید جدا کرده و به بچه‌ها بدهید کار کنند و بعد در پوشه آن‌ها بگذارید. پس در واقع این کاربرگ‌ها را هم شما هر هفته باید کار کنید."

دبیر بسته تربیت و یادگیری در ادامه جلسه به یکی از انتقادهای مطرح شده مرتبط با این بسته اشاره کرد و گفت:

"یکی از انتقادهایی که روی کاربرگ‌ها داشتند این بود که می‌گفتند تعداد این شباهت‌ها و تفاوت‌ها ۵ تا زیاد است. بچه‌ها خسته می‌شوند بعد هم بعضی از آن‌ها خیلی سخت است. درست است که شما در کتاب مربی راهنمایی ولی بچه‌ها باید پیدا کنند. ما این را رقیق‌تر کردیم، تصاویر را بزرگ‌تر کردیم، ریتم آموزشی را سبک‌تر کردیم. اتفاقی که در کاربرگ افتاد از ریتم ساده شروع

می‌شود و به ریتم یک ذره پیچیده‌تر می‌رسد و کار دیگری که کردیم تمام الگوهای ریاضی از چپ به راست است.

والدین را مشارکت بدهید

برنامه به گونه‌ای پیش می‌رفت که به حضاران فرصت طرح پرسش می‌داد و آنان بر حسب اطلاعات ارائه شده

یاد گرفتن در پیش دبستان غیرمستقیم است نه مستقیم یعنی می‌خواهم بگویم دوره پیش دبستان خیلی نزدیک به هنر است

دستشان بگیرند. این تمرین نوشتن است. پاصفحه‌ها همه باز است، ضمن اینکه در کاربرگ‌ها هم داریم.

تو وصل کردن‌ها مثلاً درست بود تو راهنما گفته بود با مداد آبی با مداد قرمز ولی بعدش بچه کلافه می‌شد. چون هی خط خطی‌های تو هم تو هم که ما می‌گوییم بر خورد نکند مثلاً تصویر بد نشود.

● چرا تصویر بد نشود؟

در کتاب نوآموز مثلاً همان جنگلی که نشان دادید. می‌گوییم هر حیوان را به نمونه پایین صفحه خودش وصل کن. با مداد آبی حیوانات اهلی را وصل کن با مداد قرمز حیوانی که در آب است را وصل کن. بچه که وصل کرد چون ما تاکید کردیم بچه‌ها حواستان باشد تصادف نکنید به شکل‌هایی تو صفحه ولی با این حال بعدش چون خیلی خط خطی می‌کشیدند اصلاً بعدش یک فضای خیلی شلوغی ایجاد می‌شد.

شما پاسخ نماها را دیدید؟ ما برای همه تمرین‌های مداد و کاغذیمان با پاپالو هم انجام دادیم. یعنی شما اسکن کنید پاسخ نمای کاربرگ را. پاسخ‌نمایی کارآموز یعنی هر فعالیتی که بچه انجام می‌دهد پاپالو هم انجام داده و آن را وقتی بچه‌ها می‌بینند این خط خطی‌ها معلوم است. یکی با خط قرمز یکی با خط سفید ببینید. در واقع این کتاب را، کتاب کار ببینید نه کتابی که می‌خواهد در کتابخانه بگذارد.

من خواهش می‌کنم پاسخ نماها را که به تعداد همه کارهای ما است

حتماً بدهید. بچه‌ها خوششان می‌آید امکان نمایشش را اگر یک وقت در کلاس هم نداشتید در لوح‌ها برای مادرها بفرستید. می‌دانید که کارتون‌ها کوچک است. پاپالو هم عامل آموزشی ما است و این پاپالو دستیار شماس است و همه این‌ها را انجام داده است. این امکان سال گذشته هم بوده ولی چون خیلی تعداد چیزهایی که ما نشان می‌دهیم زیاد است ناچار هستیم که آن‌ها را در "کیو آر کد" ببریم.

ببینید اینجا یک طرفش پاسخ نماهای نوآموزها است، یک طرفش هم کاربرگ‌ها است.

تمام این چیزهایی که من به شما گفتم امسال در راهنمای والدین این آمده ولی ممکن است یک جایی مثل شهر قدس بگوید پدر و مادرم بضاعت ندارند که ۵۰ تومان پول این را بدهند حالا شما تخفیف می‌دهید مقداری کم‌تر می‌شود اگر این را توضیح بدهید همه فعالیت‌هایی که بچه‌ها باید بخوانند و پدر مادرها باید انجام بدهند در صفحه ۱۰ کتاب آمده است. یعنی لازم نیست شما اسکن کنید اینجا توضیح داده که پدر مادرهای عزیز در بسته "من می‌دانم من می‌توانم"

مربی‌ها این کارها را کردند. شما هم باید این کارها را با بچه‌هایتان انجام بدهید.

ناصری سپس بر روی مشارکت والدین در انجام فعالیت‌ها بسیار تاکید کرد و از مربیان خواست تا در این رابطه اطلاعات دقیق و درستی به پدران و مادران بدهند و از آنان بخواهند تا در فعالیت‌های مختلف، فرزندان خود را مشارکت بدهند. وی در همین ارتباط چند نمونه را مثال زد و گفت:

" برای مثال مادران می‌توانند هنگام شب کودکان خود را به روی پشت بام برده و یا در حیاط، آسمان شب و ماه و ستارگان را به بچه‌ها نشان بدهند. آنان همچنین می‌توانند هنگام پاک کردن سبزی از بچه‌ها کمک گرفته و این کار را به آنان یاد بدهند. جدا کردن نخود و لوبیا هم می‌تواند برای بچه‌ها یک نوع سرگرمی بسیار جذاب باشد و به یادگیری آنان کمک کند.

همچنین برای رفت و آمد می‌توانند از وسایل نقلیه به صورت متنوع استفاده کنند. برای مثال گاهی با تاکسی گاهی اتوبوس و در برخی موارد هم با مترو رفت و آمد کنند تا بچه‌ها با محیط شهر بیشتر آشنا شوند. حتی در محیط خانه می‌توانند از نمایش خلاق استفاده کرده بچه‌ها را به کار بگیرند تا با خلاقیت‌های خودشان کارهایی را انجام داده و اجرا کنند.

من پیشنهاد این است که شما موسسین و مدیران محترم مراکز پیش‌دبستان در ابتدای سال فضایی فراهم کنید و از والدین بچه‌ها

دعوت کنید و یک سری از نکات مربوط به دنیای پیش دبستان را با آن‌ها درمیان بگذارید. درباره کتاب‌ها با آنان صحبت کنید و این فیلم‌ها را هم به آن‌ها نشان بدهید. ما دو فیلم اینجا داریم یک فیلم معرفی بسته است که حدود ۲ دقیقه و ۳۱ ثانیه است که اجمالاً می‌گوید این بسته چیست و یک فیلم هم داریم که حدوداً ۱۷ دقیقه است و پاپالو که عامل آموزشی است کل بسته را معرفی می‌کند و ۵ قطعه است. با این برنامه پدران و مادران بهتر و بیشتر با فضای کار شما آشنایی پیدا می‌کنند.

حتماً حتماً از چیزهایی که یک ذره سخت‌تر هستند مانند کاردستی بیش‌تر استفاده کنید. کاردستی خیلی مهم است، آزمایش‌های ساده‌ای که اینجا گفتیم خیلی مهم است، گردش علمی. این‌ها یک ذره سختی دارد ولی تأثیرش روی بچه‌ها بیش‌تر است. البته من می‌دانم شما موقعی که مثلاً می‌خواهید بچه‌ها را از فضای کلاستان بردارید و ببرید توی پارک سر کوچه یا سر خیابان‌تان یک زحمتی دارد. بعضی از اولیا موافق هستند بعضی‌ها مخالف هستند، شاید مدیر بگوید چرا این کار را می‌کنی موسس می‌گوید خدای نکرده کسی چیزی نشود. در

برای بچه ۵ ساله از داخل کلاس به باغچه رفتن هم یک گردش علمی محسوب می‌شود. شما در زنگ تفریح هم می‌توانید برای این موضوع سناریو داشته باشید

ایران ما این مشکل را داریم. من چند کشور خارجی را رفتم هم اروپا هم ژاپن از نزدیک دیدم. جایی نیست که شما در خیابانها با بچه‌ها مواجه نشوید. ژاپن که اصلاً غوغا است. مثلاً می‌بینی ۳۰۰ نفر را با یک قطار می‌خواهند ببرند از شهر ناگویا به هیروشیما و این اتفاقات همه در آنجا می‌افتد. ولی ما مثلاً می‌خواهیم بچه را پارک ببریم همش می‌گوییم اگر بچه اینجور بشود اگر بچه اونجور بشود. وقتی شما بچه‌ها را به یک نانوایی می‌برید، برای آنان گردش علمی حساب می‌شود، این در حالی است که بچه‌ها شاید ۱۰۰ بار همراه خانواده به نانوایی رفته باشند. اما اگر همراه شما و دیگر دوستان خود به نانوایی بروند و مراحل پخت نان را از نزدیک ببینند و بعد هم یک نان گرم بگیرند برایشان یک گردش علمی است. کودک در این فعالیت یک چیزهایی یاد می‌گیرد و برایش یک مشغله و سرگرمی بسیار جذاب است که ما معمولاً این‌ها را نادیده می‌گیریم. اگر از بین ۱۰ مری یک نفر هم این فعالیت را انجام بدهد خیلی خوب است.

پیروزی از آن راویان هنرمند است

ایده‌پرداز جریان قصه در مدرسه در ادامه بر حسب سال‌ها تجربه در ارتباط با فعالیت‌های قرآنی در پیش دبستان و پاسخ به پرسش‌های مطرح شده تنی چند از حاضران گفت:

”در باره آموزه‌های قرآنی قطعاً بنا به دریافت خودمان پرچم را در نظر نمی‌گیریم. یعنی ما اصلاً در زمینه آموزه‌های قرآنی به اینکه کودک ۲۰ سوره کوچک را بخواند یاد

بگیرند نه اعتقاد داریم و نه وارد آن شدیم. در آموزه‌های قرآنی در اسناد بالادستی، ۱۵ عبارت قرآنی مثل (سلام علیکم) مثل (واصلحوا) مثل (الله خالق کل شیء) مثل (وٹیابک فطهر) را داریم. این‌هایی که در زندگی ما مفهوم دارد. مثلاً موقعی که رسیدی به اینکه لباس باید پاک باشد، از دو کلمه (وٹیابک فطهر) یعنی لباس‌هایت را بگذار تر و تمیز باشد استفاده می‌کنیم. همین لباس تو باید تر و تمیز باشد، کلی سناریو برایش دیده شده که همین دو کلمه در ذهنش بماند یا مفهوم واقعی آن را درک کند. اما این به شرطی است که بچه‌ها علاقمند باشند. خود من در دوره کودکی به شدت عاشق قرآن بودم و تلاوت‌های قرآنی را گوش می‌کردم و الان هم از شنیدن آن لذت می‌برم. ولی لزوماً قرار نیست پسر من هم چنین حسی داشته باشد. البته پسر من خیلی علاقمند بود. من هم هیچ اجبار و اکراهی نداشتم.

من سال‌ها در مدرسه راهنمایی آن دوران (متوسط اول فعلی) معلم دینی و قرآن بودم و متد خودم را داشتم. خیلی هم بچه‌ها علاقه داشتند اما چیزی که بلد بودم این

بود که بچه‌ها را از طریق قصه‌های قرآنی با قرآن مرتبط می‌کردم.

حال هر کدام از شما یک توانایی‌های فردی دارید که می‌توانید از آن‌ها مثل نقاشی، شعر، اجرای نمایش، انجام فعالیت‌های ورزشی و ... برای کار خودتان استفاده کنید. ما در مورد آموزه‌های قرآنی هم اطلاعات لازم را در این کتاب‌ها در اختیار شما قرار داده‌ایم. نه تنها بچه‌ها بلکه بزرگترها هم با قصه‌ها و راوی‌های مسلط و توانا ارتباط خوبی برقرار می‌کنند.

ناصری در همین ارتباط به معرفی یک کتاب و اثر مرتبط با فعالیت مریبان اشاره کرد و گفت:

”یک کتاب خوب و مهم در این زمینه با عنوان ”قصه گو برنده است“ ترجمه شده که اگر علاقمند باشید پیشنهاد می‌کنم آن را مطالعه کنید. در این کتاب توضیح می‌دهد که حتی در کارخانه‌های خیلی بزرگ برای اینکه کالایشان فروش برود سعی می‌کنند یک روایت داستانی خوب برای کالایشان انتخاب کنند. الان

پیروزی از آن راویان هنرمند است. اگر شما به عنوان مربی خودتان قصه و شعر دارید می‌توانید از هنر خودتان بهره ببرید.

ما انتهای هر کتابی یک ارزشیابی داریم که اسمش ارزشیابی نیست و ما نام آن را سخن مربی با والدین گذاشته‌ایم.

قرار ما بر این است که شما مریبان مشاهدات خود از بچه‌ها را در اینجا بنویسید. اگر کودک توانایی دارد در اینجا یادداشت کنید اما اگر ضعفی در زمینه‌ای دارد نباید بنویسید که فرزند شما مثلاً این ایراد یا اشکال یا نقطه ضعف

را دارد. زیرا بچه نقطه ضعف ندارد، بلکه باید در قالب دیگری آن را با والدین در میان بگذارید. برای مثال می‌توانید بنویسید که در این زمینه بیش‌تر با فرزندتان کار کنید. فرض کنید کودک یک خانواده دوستان زیادی نتوانسته در پیش دبستانی برای خودش پیدا کند. شما می‌توانید برای پدر و مادرش اینطور بنویسید که مثلاً سارا یا بهرام را بیشتر به مهمانی ببرید تا با افراد بیشتری در ارتباط باشد. فرزند شما باید با بچه‌های همسن و سال خودش بیشتر ارتباط بگیرد. با این زبان و شیوه پدر و مادر خودشان متوجه می‌شوند که فرزند آنان در ارتباط گرفتن نیاز به تلاش بیشتر آنان دارد.

محمد ناصری در پایان این جلسه از نظر حمایت کردن از مخاطبان بسته ”من می‌دانم من می‌توانم“ خطاب به شرکت‌کنندگان گفت:

”اگر شما این بسته را انتخاب کردید، ما همه جوهره از شما حمایت می‌کنیم. ارتباط ما و شما از طریق سایت و کانال ای‌تا برقرار خواهد ماند و به پرسش‌های شما نیز در این زمینه پاسخ خواهیم داد.“

طرح نوشت فطری که
خداوند در بچه‌ها قرار
داده آن را باید تایید کرد
نباید آن را تغییر داد